



اصول راهنمای شکار تروفه به عنوان ابزاری برای ایجاد انگیزه حفاظت

کمیسیون بقای گونه‌ها (SSC)، اتحادیه بین‌المللی حفاظت طبیعت (IUCN)
نسخه ۱/۰ (۹ اوت ۲۰۱۲)



تبصره

حفظ بین‌المللی بوشورا - CIC توسط ایس‌ان‌گل اصل نسخه از شده ترجمه
بپاهیز مراد ای‌آقا از سپاس با، شکار و وحش‌ات‌یح
و اشکالها قبیل در یت‌مسؤول چه IUCN عت‌یطب از حفاظت یجهان هی‌اتحاد
در .ندارد یاصل زبان با اختلافها ای، ترجمه از محصول یاحتمال یهای‌جاافتادگ
"دی‌فرما رجوع یاصل ینسخه به ابهام صورت

اصول راهنمای شکار تروفه
به عنوان ابزاری برای ایجاد انگیزه حفاظت

کمیسیون بقای گونه‌ها (SSC)، اتحادیه بین‌المللی حفاظت طبیعت (IUCN)
نسخه ۱/۰ (۹ اوت ۲۰۱۲)

نحوه‌ی استناد:

IUCN SSC (2012). IUCN SSC Guiding principles on trophy hunting as a tool for creating conservation incentives. Ver. 1.0. IUCN, Gland.



برگردان به فارسی: مؤسسه حیات وحش میراث پارسیان

بخش نخست: مقدمه

از مدت‌ها پیش IUCN بر این باور بوده است که بهره‌برداری عاقلانه و پایدار از حیات وحش می‌تواند هماهنگ با حفاظت از آن باشد و بدان کمک کند، زیرا فواید اجتماعی و اقتصادی ناشی از استفاده از گونه‌ها می‌تواند انگیزه‌هایی برای حفظ آنها و زیستگاهشان در مردم ایجاد کند. این سند در راستای خط مشی جاری IUCN اصول راهنمای SSC را در باره استفاده از "شکار تروفه" (با تعریفی که در فصل دوم به عمل آمده) به عنوان ابزاری برای ایجاد انگیزه حفاظت از گونه‌ها و زیستگاه آنان و همچنین تقسیم عادلانه منافع بهره‌برداری از منابع طبیعی ارائه می‌دهد.

شکار تروفه غالباً فعالیتی مناقشه‌آمیز است و برپایه‌ی دلایل گوناگون زیست‌شناختی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و فرهنگی موافقان و مخالفانی دارد. این سند صرفاً به نقش شکار تروفه در حفاظت و درآمدهای مرتبطی که عاید مردمان محلی می‌شود می‌پردازد. در هیچ بخش آن قصد حمایت یا تایید آن دسته از فعالیت‌های مربوط به شکار تروفه را نداریم که فاقد پایداری‌اند؛ تاثیر زیانبار بر زیستگاه می‌گذارند؛ خطر انقراض را تشدید می‌کنند؛ نافی حقوق جوامع محلی در مدیریت، سرپرستی، و بهره‌مندی از منابع حیات وحش خوداند؛ یا به فساد و مدیریت ضعیف دامن می‌زنند.

بخش دوم: دامنه کاربرد این راهنما

واژه "شکار تروفه" در این جا عبارت از آن نوع شکار است که:

- به عنوان بخشی از برنامه‌ای باشد که زیر نظر یک دولت، سازمان محلی، سازمان مردم نهاد، یا نهاد معتبر دیگر اداره می‌شود؛
- از این ویژگی برخوردار باشد که شکارچینی (با در نظر گرفتن انگیزه‌های گوناگون) آماده پرداخت مبلغ قابل ملاحظه‌ای برای شکار حیوان دارای خصوصیت "تروفه" هستند؛
- خصوصیت برداشت اندک داشته باشد؛
- عموماً (و نه الزاماً) توسط شکارچیان غیرمحلی (غالباً از کشورهای غیر از محل شکار) صورت گیرد.

این ویژگی‌ها شکار مورد نظر ما را از بسیاری انواع دیگر فعالیت‌های شکار متمایز می‌سازد، هر چند می‌دانیم آنچه در این جا شکار تروفه نامیده شده ممکن است در برخی کشورها نام دیگری داشته باشد. از این رو مقصود از این اصول راهنما شکار برای امرار معاش، شکار قانونی گونه‌های نسبتاً معمولی، یا فعالیت‌های مدیریتی موسسات اداره کننده حیات وحش نیست، اگرچه جنبه‌هایی از آن می‌تواند در این

گونه فعالیت‌ها نیز در نظر گرفته شود. فعالیت‌های اخیر نیز به نوبه‌ی خود می‌توانند به بروز انگیزه‌های حفاظتی بیانجامند، لیکن بیرون از حیطه این راهنما قرار می‌گیرند.

کاربرد این اصول راهنما صرفاً در برنامه‌های شکار تروفه برای حیوانات وحشی خشکی‌زی در عرصه‌های جغرافیایی بومی آنان است. خط مشی کنونی IUCN از انتقال گونه‌ها به خارج از عرصه‌های بومی آنان با هدف اولیه شکار تروفه حمایت نمی‌کند.^۱ مطابق با خط مشی جاری IUCN (توصیه نامه شماره ۳/۰۹۳ مصوب سومین اجلاس کنگره IUCN در بانکوک تایلند، ۱۷ تا ۲۵ نوامبر ۲۰۰۴، که "کشتار حیواناتی را که در حصار قرار دارند یا آزاد در عرصه^۲ محسوب نمی‌شوند" محکوم می‌نماید)، کمیسیون بقای گونه‌های IUCN از شکار تروفه حیوانات در مکانی که "عرصه آزاد" نبوده و قادر به استفاده از توانایی‌های ذاتی خود برای فرار نباشد حمایت نمی‌کند.

بخش سوم: چارچوب خط مشی

شناسایی رسمی IUCN مبتنی بر استفاده اخلاقی و پایدار از حیات وحش به منزله جزء لازم و مشروع برنامه‌های حفاظت به زمان تدوین راهبرد جهانی حفاظت ۱۹۸۰ باز می‌گردد، که مجدداً در توصیه‌نامه ۱۸/۲۴ مجمع عمومی سال ۱۹۹۰ در پرت مورد تأکید قرار گرفت. «بیانیه خط مشی استفاده پایدار از منابع جاندار وحش» IUCN به عنوان قطعنامه ۲/۲۹ در کنگره جهانی حفاظت IUCN مصوب اکتبر سال ۲۰۰۰ در عمان تأکید دارد که استفاده پایدار از حیات وحش می‌تواند با حفاظت از تنوع زیستی سازگار باشد و به آن کمک کند. IUCN می‌پذیرد که در صورتی که یک منبع حیات وحش حائز ارزش اقتصادی باشد، انگیزه‌های انحرافی در میان نباشد، و هزینه‌ها و فایده‌ها درونی شده باشد، شرایط مساعدی می‌تواند برای سرمایه‌گذاری در حفاظت و استفاده پایدار از منابع فراهم شود و بدین ترتیب مخاطرات فروافت یا نابودی منبع و تغییر کاربری زیستگاه کاهش یابد. در این شیوه مدیریت بهره‌برداری پایدار، بیانیه خط مشی به ملاحظات بنیادین زیر توجه می‌کند:

■ ضرورت مدیریت انطباق‌پذیر^۳ به طوری که، به کمک پایش و نظارت و با در نظر گرفتن ریسک و عدم اطمینان، توانایی اصلاح روش‌های مدیریتی وجود داشته باشد؛

¹ See: IUCN Position Statement on Translocation of Living Organisms (<http://www.iucnsscrg.org/download/IUCNPositionStatement.pdf>) and IUCN Guidelines for the Prevention of Biodiversity Loss Caused by Alien Invasive Species. (http://intranet.iucn.org/webfiles/doc/SSC/SSCwebsite/Policy_statements/IUCN_Guidelines_for_the_Prevention_of_Biodiversity_Loss_caused_by_Alien_Invasive_Species.pdf) 3

² free-ranging

³ adaptive management

- عرضه‌ی محصولات زیستی و خدمات اکولوژیکی برای مصرف برپایه‌ی خصوصیات درونی زیست‌شناختی گونه و اکوسیستم - از جمله باروری، دوام، و ثبات که خود آنها نیز تابع تغییرات بیرونی محیط‌زیست قرار دارند - محدود می‌شود؛
- ساختار سازمانی مدیریت و کنترل مستلزم انگیزه‌های مثبت و همچنین بازدارنده‌های منفی، مدیریت شایسته، و اجرا در ابعاد مناسب است. چنین ساختاری باید در بر گیرنده مشارکت طرف‌های ذینفع باشد و شیوه‌های بهره‌برداری از زمین، حق دسترسی، نظام‌های تنظیم‌کننده، دانش سنتی، و قوانین عرفی را در نظر گیرد.

به طور خاص و با استناد به تجربه‌ی جنوب آفریقا، IUCN دریافته است که شکار تفریحی در حفاظت از تنوع زیستی نقش داشته است. به موجب مصوبه‌ی ۳/۰۹۳ در اجلاس کنفرانس جهانی حفاظت در سال ۲۰۰۴، IUCN «از فلسفه و عملکرد بهره‌برداری مصرفی^۴ پایدار و به طور اصولی مدیریت شده در زمین‌های دولتی، اشرافی و خصوصی جنوب آفریقا که به حفاظت از تنوع زیستی مدد می‌رساند حمایت می‌کند». همچنین «تایید می‌کند که شکار تفریحی و به طور اصولی مدیریت شده در بهره‌برداری مصرفی پایدار و مدیریت‌شده از جمعیت حیات وحش نقش دارد».

افزون بر آن، گروه تخصصی کاپرینای (بزبان) کمیسیون بقای گونه‌ی IUCN در دسامبر ۲۰۰۰، در یک اعلام موضع رسمی، شکار و خصوصاً شکار تروفه را به عنوان بخش اصلی در برنامه‌های حفاظت قوچ و کل مورد شناسایی قرار داد. این بیانیه اظهار می‌دارد که "شکار تروفه عموماً منابع مالی قابل توجهی ایجاد می‌کند که می‌توان در فعالیت‌های حفاظتی از قبیل حفاظت از زیستگاه، پایش جمعیت، اعمال قانون، پژوهش، یا برنامه‌های مدیریتی از آن استفاده کرد. همین طور، درآمدهای ناشی از شکار تروفه می‌تواند مشوقی توانمند در حفاظت و نگهداری زیستگاه ... باشد."

- کنوانسیون تنوع زیستی^۵ (CBD) چندین بیانیه اصولی مرتبط با مدیریت شکار تروفه تدوین کرده‌است. در اقدامی مهم، هفتمین کنفرانس دول عضو CBD (کوالامپور، فوریه ۲۰۰۴) اصول و راهنمای بهره‌برداری پایدار تنوع زیستی آدیس آبابا^۶ (AAPG) را تصویب کرد، و در قطعنامه ۳/۰۷۴ کنگره جهانی حفاظت IUCN (بانکوک، اکتبر ۲۰۰۴) از دول عضو CBD خواسته شد که به تعهدات این قطعنامه پایبند باشند. اصول و راهنمای مذکور بر این مفروض استوار است که می‌توان از تنوع زیستی به نحوی استفاده کرد که فرایند اکولوژیکی، گونه‌ها، و تنوع ژنتیکی بالاتر از آستانه ضروری برای ادامه حیات دراز مدت قرار گیرند، و این که تمامی مدیران منابع و بهره‌برداران متعهد باشند که چنین استفاده‌ای به این آستانه خدشه‌ای وارد نکند. برخی موارد کلیدی مرتبط در اصول و راهنمای بهره‌برداری آدیس آبابا عبارتند از:

^۴ consumptive use

^۵ Convention on Biological Diversity

^۶ Addis Ababa Principles and Guidelines for the Sustainable Use of Biodiversity

- با توجه به ضرورت یک چارچوب مدیریتی سازگار با قوانین بین‌المللی/ملی، بهره‌برداران محلی اجزای تنوع زیستی باید از حقوق و اختیارات مقتضی برخوردار باشند و مورد حمایت قرار گیرند تا در استفاده از منابع مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشند (اصل ۲)؛
- مدیریت انطباق‌شونده و مبتنی بر اصول زیر باید اعمال شود:
 - علم و دانش سنتی و محلی؛
 - بازخورد مکرر، به‌هنگام، و شفاف از طریق پایش بهره‌برداری، تاثیرات محیط زیستی و اجتماعی-اقتصادی، و وضعیت منبع مورد استفاده؛ و
 - تصحیح مدیریت بر اساس بازخورد به موقع حاصل از فرایند پایش (اصل ۴)
- اهداف و اعمال مدیریت پایدار بهره‌برداری باید از تاثیرات نامطلوب بر خدمات، ساختار، و عملکرد اکوسیستم و همچنین سایر اجزاء اکوسیستم بپرهیزد یا آن را به حداقل برساند (اصل ۵)؛
- در سطوح مناسب مدیریت و اداره بهره‌برداری منابع باید رهیافتی میان‌رشته‌ای و مشارکتی به کار بست.
- استفاده کنندگان از تنوع زیستی باید در پی به حداقل رساندن ضایعات و آثار زیانبار بر محیط زیست باشند و مزایای بهره‌برداری را به حداکثر برسانند (اصل ۱۱).
- هزینه‌های مدیریت و حفاظت از تنوع زیستی باید در خود منطقه‌ی مدیریت درونی شود و در توزیع منافع بهره‌برداری بازتاب یابد (اصل ۱۳).

کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در معرض خطر انقراض (CITES) تجارت برخی اقلام مندرج در ضمیمه یک خود را برای استفاده شخصی مجاز می‌داند (Res. Conf. 9 (rev.CoP 2.11).

CITES مجموعه‌ای از قطعنامه‌ها را برای برخی گونه‌های مندرج در ضمیمه یک جهت شکار تروفه تصویب نموده است (قطعنامه Conf 10.14 (rev. CoP) برای پلنگ *Panthera pardus*؛ قطعنامه Conf 10.15 (rev. CoP 14) برای مارخور *Capra falconeri*؛ و قطعنامه Conf 13.5 (rev. CoP 14) برای کرگدن سیاه *Diceros bicornis*)، که در آن سهمیه و شرایط این تجارت تعیین شده‌است.

پیمان اروپایی شکار و تنوع زیستی (ECHB)، مصوب کنوانسیون اروپایی برن، رهنمود مشخصی جهت شکار و حفاظت تعیین نموده است. در قطعنامه ۴/۰۲۶ مصوب چهارمین کنگره جهانی حفاظت بارسلونا، اکتبر ۲۰۰۸، IUCN از اعضا درخواست می‌کند که در اجرای خط مشی و برنامه‌های IUCN اصول

مندرج در پیمان اروپایی را در فاصله سالهای سال ۲۰۰۹-۲۰۱۲ ترویج کنند. گرچه ECHB صرفاً به شکار پایدار در اروپا می‌پردازد، اصول و رهنمودهای آن قابل اطلاق به عرصه‌های جغرافیایی گسترده‌تر است. اصول کلیدی ECBH عبارتند از:

- تضمین پایداری اکولوژیکی برداشت (اصل ۳)؛
- حفظ جمعیت‌های وحشی گونه‌های بومی با ذخیره‌های ژنتیکی سازگار شونده^۷ (اصل ۴)؛
- حفظ محیط‌های حمایت‌کننده جمعیت‌های سالم و قوی گونه‌های قابل برداشت؛
- تشویق بهره‌برداری جهت تامین انگیزه‌های اقتصادی حفاظت (اصل ۶)؛ و
- توانمندسازی شرکای محلی و مسئولیت‌پذیر ساختن آنان (اصل ۹).

بخش ۴. شکار تروفه و حفاظت

شکار تروفه نوعی بهره‌برداری از حیات وحش است که، در صورت مدیریت درست، با ایجاد درآمد و انگیزه‌های اقتصادی برای مدیریت و حفاظت گونه‌های هدف و زیستگاه آنها می‌تواند به پیشبرد اهداف حفاظتی و نیز معیشت افراد محلی یاری رساند. گرچه، در صورت مدیریت ضعیف، از ایجاد چنین منافعی ناتوان خواهد بود. هرچند انواع زیادی از گونه‌ها (که بسیاری از آنان معمولی و در سلامت‌اند) به عنوان تروفه شکار می‌شوند، برخی گونه‌های کمیاب یا در معرض خطر نیز می‌توانند به عنوان بخشی از راهبردهای حفاظتی مختص مناطق ویژه مشمول شکار تروفه قرار گیرند. نمونه‌هایی مانند یوزپلنگ *Acinonyx jubatus* و کرگدن سیاه آفریقای جنوبی، و مارخور *Capra falconeri* در دره تُرغار پاکستان، که همگی گونه‌های مندرج در ضمیمه یک CITES هستند، از آن جمله‌اند.

شکار تروفه هم در آمریکای شمالی و اروپا و هم در کشورهای درحال توسعه، که ساختارهای مدیریت حیات وحش آنها غالباً از انسجام کافی برخوردار نیست، انجام می‌شود. این شکارها معمولاً توسط افرادی صورت می‌گیرد که راغب و قادر به پرداخت میزان زیادی پول برای این فرصت‌اند. شکار تروفه به طور نوعی شامل برداشت تعداد اندکی از حیوانات خاص می‌شود و مستلزم زیرساخت‌های عمرانی محدود است. از این‌رو از ارزش بسیار و تاثیر اندکی (بر محیط زیست) برخوردار است. در پاره‌ای موارد، شکار تروفه جزئی مهم از حفاظت و مدیریت مردم‌نهاد منابع طبیعی به شمار می‌آید که هدف از آن انتقال مسئولیت بهره‌برداری و مدیریت پایدار منابع حیات وحش از دیوانسالاری مرکز نشین به مردمان محلی است.

⁷ adaptive gene pools

فهم بافتی که در آن شکار تروفه صورت می‌گیرد برای درک توان بالقوه آن در سود رساندن به حفاظت حیاتی است. در بسیاری از نقاط جهان بیشتر حیات وحش در بیرون از مناطق حفاظت شده قرار دارد. حیات وحش شریک مردم در سرزمین است و عموماً با سایر اشکال مولد اقتصادی بهره‌برداری از زمین مانند کشاورزی و دامداری، که امرار معاش مردم محلی بستگی بدان دارد، در رقابت است. حیات وحش می‌تواند برای مردمان محلی هزینه‌های جدی داشته باشد، از جمله آسیب بدنی، خسارت به محصول، و رقابت با دام برای علوفه. در مواقعی که حیات وحش مایه منافع اندک برای مردمان محلی و/یا موجب هزینه‌های قابل توجه باشد، غالباً برای خوراک، یا انواع اجزای قابل فروش، یا به عنوان حیوان مزاحم کشته می‌شود (قانونی یا غیرقانونی)، و زیستگاه آن تخریب یا به سایر اشکال کاربری زمین مبدل می‌شود. در پاره‌ای موارد، شکار تروفه می‌تواند با تبدیل حیات وحش به وسیله‌ای برای بهره‌برداری ارزشمندتر و/یا مکمل سایر اشکال بهره‌برداری از زمین به این مشکل پردازد و اهالی محلی را (ترجیحاً از طریق مدیریت موثر مشترک) منتفع سازد، حمایت آنان از حیات وحش را تشویق کند، و سرمایه‌گذاری محلی، خصوصی، و دولتی را در پژوهش، نظارت، نگهداری زیستگاه، و اعمال قانون علیه بهره‌برداری غیرقانونی برانگیزد (به مثال‌های ضمیمه ۱ نگاه کنید). شکار تروفه، چنان‌چه به درستی مدیریت شود، در قیاس با بهره‌برداری‌های جایگزین مانند کشاورزی و جهانگردی غالباً ارزشمندتر و کم‌آسیب‌تر است. با این همه، در صورت مدیریت ناتوان، شکار تروفه ممکن است تأثیرات منفی اکولوژیکی از جمله ساختار سنی/جنسی به‌هم‌ریخته، اثرات زیان‌بار ژنتیکی، اختلال در اجتماع محلی، و در موارد حاد کاهش جمعیت به جا بگذارد. همچنین اطمینان از تعلق گرفتن منافع حاصل از شکار به افرادی که در بهترین موقعیت برای کمک به حفاظت‌اند امری دشوار است.

بخش ۵: اصول راهنما

کمیسیون بقای گونه‌ی IUCN بر این باور است که شکار تروفه، آن‌گونه که در بخش ۲ ذکر شد، در صورت دربرداشتن اجزای زیر در برنامه شکار می‌تواند در حفاظت و تقسیم عادلانه منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی موثر باشد: پایداری بیولوژیکی؛ سود خالص حفاظت؛ منافع اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی؛ مدیریت قابل انطباق شامل برنامه‌ریزی، نظارت، و گزارش‌دهی؛ و سرپرستی پاسخگو و موثر.

پایداری بیولوژیکی

شکار تروفه به شیوه‌ای که در بخش دوم ذکر شد در صورتی می‌تواند در خدمت حفاظت قرار گیرد که:

۱. با در نظر داشتن این که جمعیت تحت برداشت پایدار ممکن است کوچکتر از جمعیت برداشت نشده باشد، در دراز مدت به کاهش جمعیت گونه‌های شکار شده یا سایر گونه‌های هم‌بوم نیانجامد؛
۲. در فرایند انتخاب طبیعی و عملکرد اکوسیستم دگرگونی اساسی ایجاد نکند؛ یعنی «جمعیت‌های وحشی گونه‌های بومی برخوردار از ذخیره ژنتیکی سازگار شونده را حفظ کند»^۹ این امر عموماً مستلزم آن است که برداشت شکار تاثیر اندکی بر ساختار جمعیتی دارای تحول طبیعی داشته و از تکثیر یا به‌گزینی^۹ گونه‌های قابل شکار به منظور تغییر عمده خصوصیات ژنتیکی-جمعیتی به شیوه‌ای ناهماهنگ با فرایند انتخاب طبیعی خودداری شده باشد؛
۳. به تسهیل ناخواسته شکار و تجارت غیرقانونی حیات وحش نیانجامد؛
۴. اکوسیستم یا اجزاء آن به‌طور مصنوعی و/یا ماهوی به نحوی ناسازگار با اهداف حمایت از کل طیف تنوع زیستی دستکاری نشود.

سود خالص حفاظت

شکار تروفه هنگامی در خدمت حفاظت است که:

۱. به قطعات معین و خاصی از زمین مربوط باشد که در آنها زیستگاه حیات وحش از اولویت برخوردار است (هرچند نه الزاماً تنها اولویت یا تنها استفاده مشروع) و در آن «هزینه‌های مدیریت و حفاظت تنوع زیستی در خود حوزه‌ی مدیریتی درونی شده و در توزیع منافع بهره‌برداری از زمین بازتاب یافته باشد»^{۱۰}؛
۲. درآمد، اشتغال، و/یا منافع دیگری ایجاد کند که برای کاهش فشار بر جمعیت‌های گونه‌های هدف انگیزه ایجاد کند و/یا به توجیه نگهداری، بهبود، یا بازسازی زیستگاه‌هایی که در آنها تنوع زیستی در اولویت است یاری رساند. منافع حاصله ممکن است به ساکنان محلی برای همزیستی با گونه‌های دردسرزا چون حیوانات گوشتخوار بزرگ، گیاه‌خواران رقیب مرتع، یا حیواناتی که برای رفاه انسان‌ها و اموال شخصی آنان خطرناک یا تهدید محسوب می‌شوند انگیزه‌هایی بدهد؛
۳. بخشی از یک نظام سرپرستی^{۱۱} قانونی باشد که حفاظت را به قدر کافی تقویت می‌کند و نیز بخشی از یک نظام اجرایی توانا در تحقق اهداف مدیریتی.

⁹ culling

¹¹ governance system

^{۱۰} به نقل از اصل ۴ منشور اروپایی شکار و تنوع زیستی

منافع اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی

شکار تروفه در صورتی ابزاری برای حفاظت است که:

۱. به ارزش‌ها و شیوه‌های عمل در فرهنگ محلی احترام بگذارد (مقصود از «محلی» اجتماع انسان‌های سهمیم در فضای زندگی با گونه‌های مورد نظراست)، و مورد قبول (ترجیحا تحت مدیریت مشترک و مورد حمایت فعال) اکثر اعضای مردم محلی که در آن سرزمین ساکنند باشد؛
۲. ساکنان محلی را به شیوه عادلانه و در تطابق با اولویت‌های آنان سهمیم و منتفع کند؛
۳. عملکردهای تجاری مشوق پایداری اقتصادی درازمدت را برگزیده باشد.

مدیریت قابل انطباق: برنامه‌ریزی، پایش، و گزارش‌دهی

شکار تروفه در صورتی می‌تواند ابزاری برای حفاظت باشد که:

۱. مبتنی بر ارزیابی مناسب از منابع و/یا پایش شاخص‌های شکار باشد، تا بر اساس آن بتوان سهمیه معین و برنامه‌های شکار را از خلال یک فرایند همکاری تدوین کرد. در حالت خوش بینانه، چنین فرآیندی باید (هر جا که لازم باشد) افراد محلی را در برگیرد و از دانش محلی/بومی برخوردار شود. این گونه ارزیابی‌های منابع (مانند شمارش یا نمودارهای جمعیت از قبیل فراوانی مشاهده، ردشماری) یا شاخص‌های شکار (نمونه‌هایی نظیر اندازه تروفه، سن جانور، درصد موفقیت شکار و دستیابی در هر تلاش شکار) باید عینی، به‌درستی مستند سازی شده، و با استفاده از بهترین علوم و فنون ممکن با توجه با شرایط و منابع موجود باشد.
۲. مدیریت قابل انطباق سهمیه شکار و برنامه‌ریزی همسو با نتایج ارزیابی منابع و/یا نظارت بر شاخص‌ها، و اطمینان از تعدیل سهمیه‌ها همسو با تغییرات منابع (ناشی از تغییرات اکولوژیکی، الگوهای آب و هوایی، یا آثار مداخله انسان از جمله برداشت شکار) را در بر گیرد؛
۳. مبتنی بر قانون و مقررات و روش تعیین سهمیه شکار (ترجیحا با استفاده از داده‌های محلی) شفاف و روشن باشد و به صورت ادواری بازبینی و به‌روز شود؛
۴. با پایش فعالیت‌های شکار مشخص شود که سهمیه‌ها و محدودیت‌های سنی/جنسی جانوران برداشت شده رعایت شده است؛
۵. پایداری زیست‌شناختی و منافع حفاظتی برنامه به طور ادواری و به شیوه‌ای قابل اتکا مستند شود (در صورتی که چنین گزارش‌هایی توسط سازوکارهای گزارش‌دهی موجود تهیه نشده باشد).

سرپرستی پاسخگو و موثر

یک برنامه شکار تروفه می‌تواند در خدمت حفاظت باشد به شرط آن که:

۱. وابسته به یک ساختار سرپرستی باشد که مسئولیت‌های مدیریتی را به روشنی تخصیص می‌دهد؛

۲. به طور شفاف درآمدها را توضیح دهد و سود خالص را بر پایه‌ی تصمیم‌های به‌درستی مورد توافق قبلی بین امر حفاظت و ذینفعان محلی تقسیم کند؛
۳. تمام گام‌های ضروری را جهت حذف فساد برداشته باشد؛ و
۴. مراعات کلیه الزامات و مقررات ملی و بین‌المللی توسط مراجع مربوط نظیر مجریان، ناظران، و شکارچیان را تضمین کرده باشد.

بخش ۵: استفاده صحیح از این اصول راهنما

قصد کمیسیون بقای گونه‌ها از این اصول راهنما مساعدت به مقامات مسئول سیاست‌گذاری، قانونگذاری و برنامه‌ریزی در سطوح ملی و زیرملی؛ مدیران مناطق؛ و جوامع محلی برای طراحی و اجرای برنامه‌های شکار تروفه با هدف حفاظت از تنوع زیستی و تقسیم عادلانه منابع طبیعی است.

این اصول راهنما نباید به‌هیچ وجه مغایر با ارزش‌های زیستی، اجتماعی، یا اقتصادی آن دسته برنامه‌های شکار تفسیر شود که به‌درستی پایدارند، اما فاقد مشوق‌هایی برای حفاظت و منافع حفاظتی مربوطه هستند. هرچند **IUCC** و **SSC** در حال حاضر در عرصه تایید یا صدور گواهی‌نامه برای برنامه‌های شکار تروفه فعالیت نمی‌کنند، چنین اقداماتی را در صلاحیت نهادهای شناخته‌شده مستقل می‌دانند. هیچ بخشی از این سند نباید به عنوان تایید یا نقد برنامه شکار تروفه خاصی تعبیر شود.

ضمیمه ۱. نمونه‌هایی از شکار تروفه به‌منزله بخشی از راهبرد حفاظت

یادداشت: به واسطه آثار حفاظتی بالقوه گوناگون شکار تروفه، ارائه مجموعه کوچکی از مطالعات موردی که اثرات مثبت و منفی حفاظت را برجسته سازد خالی از فایده نیست. در این قسمت دو مثال حاوی آثار حفاظتی مثبت گنجانده شده‌است. از ارائه مثال‌های دیگر، اعم از مثبت و منفی، استقبال می‌کنیم، با این ملاحظه که در مورد نمونه‌های منفی از سرزنش و انتقاد به گروه‌ها و کشورهای عضو ابا داریم.

مطالعه موردی ۱: شکار تروفه در حفاظت‌گاه‌های جوامع محلی در نامیبیا

برنامه حفاظت نامیبیا در حفاظت‌گاه‌های جوامع محلی از سوی همگان به عنوان نمونه‌ای موفق از حفاظت و توسعه روستایی شناخته شده‌است، و شکار تروفه در این موفقیت نقش مرکزی ایفا می‌کند. اصلاحات قانونی در اواسط دهه ۹۰ میلادی برای بهره‌برداری و مدیریت حیات وحش در زمین‌های اشتراکی، در صورت سازماندهی آنان به شکل حفاظت‌گاه، حقوق مشروطی به جوامع محلی تفویض کرد. منظور از این رهیافت انتقال حقوق و منافع حیات وحش به جوامع محلی (مردمی که در دیدگاه استعماری غالباً شکارچی خلاف محسوب می‌شدند) بود تا انگیزه‌هایی برای زیستن با حیات وحش، و ارزش نهادن به آن و بهره‌مندی از آن ایجاد شود. تشکیل حفاظت‌گاه مستلزم آن است که جوامع محلی اعضا، محدودی سرزمینی، و کمیته مدیریتی خود را تعیین و برنامه‌ای پایدار برای مدیریت و بهره‌برداری شکار تدوین کنند. حفاظت‌گاه می‌تواند شیوه‌های گوناگون «مصرف»^{۱۲} حیات وحش را ممکن کند (مانند شکار تروفه، شکار برای غذا، و فروش زنده) یا به سازماندهی بهره‌برداری «غیرمصرفی» مثل گردشگری بپردازد. حفاظت‌گاه کلیه درآمدهای ناشی از بهره‌برداری و مدیریت را برای خود نگه می‌دارد.

جنبش ایجاد حفاظت‌گاه‌ها به سرعت گسترش یافته و تاثیرات حفاظتی آن گسترده و پرمایه بوده است. امروزه ۷۱ حفاظت‌گاه‌ها ثبت شده با ۱۴/۹۸ میلیون هکتار اراضی تحت پوشش (و ۲۰ سازمان حفاظتی در حال شکل‌گیری) مشتمل بر ۲۴۰۰۰۰ عضو وجود دارد. تشکیل حفاظت‌گاه‌های موجود به معنای این است که ۱۸/۲ درصد سرزمین نامیبیا تحت پوشش مدیریت حفاظتی قرار گرفته است. این در تقابل با وضعیت پیشین این نواحی است که ویژگی آن تعارض همیشگی انسان و حیات وحش، شکار خلاف بدون کنترل، و میزان اندک حیات وحش بود.

¹² consumptive use

بهره‌برداری پایدار حیات وحش، کاتالیزوری قوی در بهبود وضعیت حیات وحش در زمین‌های متعلق به جوامع محلی بوده است. پیش از معرفی حفاظت‌گاه‌ها، حیات وحش در این مناطق در بسیاری از موارد بسیار کم یا ریشه‌کن شده بود. حیات وحش از نظر جوامع محلی عمدتاً تهدیدی برای معیشت محسوب می‌شد، و بهترین نوع بهره‌برداری از آن شکار غیرقانونی و گوشت سرسفره بود. ظهور حفاظت‌گاه‌ها شدیداً این دیدگاه را تغییر داد. امروزه حیات وحش به شکل فزاینده به عنوان سرمایه‌ای با ارزش تلقی می‌شود و افزایش جمعیت حیات وحش به معنای درآمد بیشتر برای حفاظت‌گاه، مشاغل بیشتر برای اعضای آن، گوشت شکار بیشتر در سطح خانوار، و منابع بیشتر برای توسعه روستایی است. در نتیجه، شکار غیرقانونی در جامعه به امری ناروا مبدل شده است و شمار جانوران شکاری در غالب مناطقی که برای مدت زمانی زیر پوشش حفاظت‌گاه قرار داشته‌اند به صورت چشمگیر بهبود یافته است. به عنوان مثال، در زمین‌های اشتراکی شمال شرق نامیبیا، طی سالهای ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۱، شمار فیل‌ها از ۱۲۹۰۸ به حدود ۱۶۹۹۳، آنتیلوپ سیاه از ۷۲۴ به حدود ۱۴۷۴؛ و ایمپالای معمولی از ۴۳۹ به ۹۳۷۴ افزایش یافته است. در شمال غرب نامیبیا،^{۱۳} از اوائل دهه ۱۹۸۰ تا امروز، فیل صحرایی از حدود ۱۵۰ به حدود ۷۵۰؛ گورخر کوهی هارتمن از کمتر از ۱۰۰۰ به بیش از ۲۷۰۰۰؛ و کرگدن سیاه به بیش از سه برابر (که آن را به بزرگترین جمعیت آزاد کرگدن در جهان تبدیل نموده) افزایش یافته است. از سال ۱۹۹۵، جمعیت شیرهای این ناحیه از حدود ۲۰ به ۱۳۰ افزایش و محدوده زیستگاه آنها گسترش تصاعدی یافته است. جمعیت جانوران شکاری در نواحی حفاظتی که دارای شمار اندک گونه‌های خاص یا گونه‌های منقرض شده بودند احیا شده است. این حمایت سبب احیای شمار زیادی از گونه‌ها، همچون زرافه، هارت بیست سرخ، ایمپالای صورت سیاه، و کرگدن سیاه شده است. همچنین، حفاظت‌گاه‌ها، که قسمت بزرگی از آن‌ها در مجاورت یا نزدیکی نواحی حفاظت شده واقعند، با تضمین محیط‌هایی امن برای حیات وحش در مجاورت مناطق حفاظت شده و با تعیبه کریدورهای عبوری میان این مناطق، نظام مناطق حفاظت شده نامیبیا را تقویت کرده‌اند.

شکار تروفه نیروی محرکه مرکزی این دگرگونی بوده است. با ۴۱ حفاظت‌گاه که از ۴۰ امتیاز شکار^{۱۴} تروفه برخوردار بوده‌اند، این نوع شکار بیشترین منبع درآمد از بهره‌برداری مصرفی پایدار از حیات وحش بوده است. از زمان آغاز ثبت این برنامه با چهار حفاظت‌گاه در سال ۱۹۸۸، در مجموع ۹۷۹۴۸ کیلومتر مربع بر روی اعطای امتیاز شکار تروفه تحت مدیریت جوامع محلی گشوده شده است. منافع حاصل از بهره‌برداری مصرفی از حیات وحش (نقدی، اشتغال، و گوشت) برای حفاظت‌گاه‌ها و اعضای آن در سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۹ بالغ بر ۷۶/۵ میلیون دلار نامیبیا (معادل ۱۰/۱۷ میلیون دلار آمریکا) بوده است (NACSO Database, 2011). به همان اندازه که منافع ناشی از بهره‌برداری مصرفی از طریق کاهش شکار

^{۱۳} برنامه گارد شکار پیشتر در اوائل دهه ۱۹۸۰ در این نواحی معرفی شده بود.

^{۱۴} hunting concession

خلاف موجب جبران جمعیت حیات وحش شده است، این تجدید جمعیت به نوبه خود راه را برای بهره‌برداری غیرمصرفی به شکل توریسم گشوده و درآمد جوامع محلی از حیات وحش را به دو برابر رسانده است. در سال ۲۰۱۱ بیش از ۳۰ مرکز اقامتی توریستی با سرمایه‌گذاری مشترک و ۲۴ محل کمپ در حفاظت‌گاه‌ها دایر بود، که درآمد حاصل از آن در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۹ (شامل نقدی، اشتغال و گوشت) به ۱۰۲/۸ میلیون دلار نامیبیا معادل ۱۳/۶۴ میلیون دلار آمریکا می‌رسید. فعالیت‌های توریستی منبع قدرتمندی برای کسب درآمدهای مکمل افزون بر گزینه‌های بهره‌برداری مصرفی بوده است. بهره‌برداری مصرفی (عمدتاً شکار تروفه) مولد بیشترین درآمد نقدی حفاظت‌گاه‌ها (که از آن می‌توان در فعالیت‌های مربوط به مدیریت حیات وحش و توسعه بهره برد) بوده، و فعالیت‌های توریستی بیشترین اشتغال فردی را برای اعضای حفاظت‌گاه فراهم آورده است. منافع حاصل از بهره‌برداری مصرفی از اهمیت خطیری برخوردار است، زیرا هنگام آغاز برنامه که شمار اندک جمعیت حیات وحش مانع از جلب توریسم است می‌تواند جریان داشته باشد تا زمانی که افزایش شمار حیات وحش امکان اکوتوریسم و عکاسی حیات وحش را فراهم کند.

فعالیت‌های عمرانی و خدماتی جوامع محلی از محل سود ناشی از بهره‌برداری پایدار از جمله شامل بهبود مدارس یا وسایل و امکانات آن‌ها؛ بهبود درمانگاه‌های بهداشت روستایی؛ حمایت از مستمری‌بگیران؛ صندوق بورسیه‌های تحصیلی؛ حمل و نقل بیماران و مصدومین؛ کاهش تعارض میان انسان و حیات وحش؛ و حمایت از تیم‌های ورزشی است. به علاوه، برنامه‌های شکار برای مردم محلی (که بسیاری از آنان در تنگدستی به سر می‌برند) گوشت تامین می‌کند: گوشت حاصل از شکار تروفه و بهره‌برداری مستقیم محلی‌ها در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۹ مبلغ ۱۷۴۱۳۱۲۰ دلار نامیبیا معادل ۲/۲۹ میلیون دلار قیمت‌گذاری شد.^{۱۵}

چندین روش و شیوه‌ی کار موثر و ابتکاری توسط برنامه CBNRM نامیبیا برای تضمین نقش کلیدی شکار پایدار در حفاظت تدوین شده است، از جمله:

- روش تعیین سهمیه سالانه برای میزان برداشت پایدار که به صورت مشترک توسط MET، سازمان‌های مردم‌نهاد و حفاظت‌گاه‌ها و بر مبنای شمارش سالانه شکار، گزارش‌های تورگردانان شکار، و دانش محلی کارکنان همه آنها تعیین می‌شود؛
- روش مزایده برای اعطای امتیاز شکار تروفه: هدف از این کار دستیابی به ارزش بازار شکار به شیوه‌ای شفاف، و تقویت مناسبات بین کمیته مدیریتی حفاظت‌گاه و تورگردانان شکار است؛

^{۱۵} ارزش گوشت توزیعی بر مبنای قیمت بازار و متوسط وزن گوشت حیوانات شکار شده (بر اساس ارقام مندرج در کتاب وقایع حفاظت‌گاه) محاسبه می‌شود.

- قرارداد شکار تروفه: جوامع محلی به شکرانه‌ی جنبش ایجاد حفاظت‌گاه‌ها چنان توانمند شده‌اند که بتوانند شرکای خوبی در فعالیتهای شکار باشند، گرچه برخی از آنان هنوز در مراحل یادگیری سریع به سر می‌برند؛ و
- برنامه‌ها و شیوه‌های عمل در مدیریت حفاظت‌گاه‌ها: سرمایه‌های ناشی از بهره‌برداری از حیات وحش توسط حفاظت‌گاه‌ها برای استخدام شکاربان و به اجرا گذاشتن نظام‌های مدیریت و پایش شکار مصرف می‌شود، و به مردم محلی فرصت می‌دهد تا به ابتکار خود با تهدیدات شکار خلاف مقابله کنند و حوادث فزاینده ناشی از برخورد میان انسان و حیات‌وحش را کاهش دهند.

Sources

- NACSO. 2010. Namibia's communal conservancies: a review of progress 2009. NACSO, Windhoek, Namibia
- Naidoo, R., Weaver, L. C., Stuart-Hill, G. & Tagg, J. (2011). Effect of biodiversity on economic benefits from communal lands in Namibia. *Journal of Applied Ecology* 48: 310-316.
- Weaver, C., Hamunyela, E., Diggle, R., Matongo, G. & Pietersen T. (2011). The catalytic role and contributions of sustainable wildlife use to the Namibia CBNRM programme. In: Abensperg-Traun, M., Roe, D. & O'Criodain, C. eds. (2011). *CITES and CBNRM. Proceedings of an international symposium on "The relevance of CBNRM to the conservation and sustainable use of CITES-listed species in exporting countries"*, Vienna, Austria, 18-20 May 2011. IUCN and London, Gland, Switzerland & IIED, UK. Pp. 59-70

مطالعه موردی ۲: حفاظت و شکار تروفه در دره تُرغار پاکستان

تُرغار (کوه/تپه سیاه به زبان پشتو) در ایالت بلوچستان پاکستان قرار دارد. در اوایل دهه‌ی ۱۹۸۰ در این منطقه به واسطه شکار کنترل نشده و رقابت با گله‌های بومی بر سر علفزار، مارخور وحشی *Capra falconeri megaceros* و قوچ اُریال افغانی *Ovis orientalis* در معرض نابودی قرار داشتند. اقداماتی که برای جلوگیری از شکار صورت می‌گرفت به علت توان ناچیز سازمانی و فقدان اراده سیاسی بسیار ضعیف بود. در اواسط ۱۹۸۰ یکی از رهبران محلی فرمان ممنوعیت شکار صادر کرد، اما از اجرا ناتوان ماند. رهبران جزالای (عشیره‌ای پشتون)، با حمایت سازمان حفاظت ماهی و حیات وحش ایالات متحده (USFWS)، در سال ۱۹۸۶ یک برنامه جامعه-بنیان حفاظت موسوم به طرح حفاظت تُرغار آغاز کردند، که بعداً تحت

مدیریت انجمن حمایت از محیط زیست تُرغار (STEP) قرار گرفت. این برنامه در آغاز از شکار تروفه محدود و پایش شده (نخست فقط قوچ اُریال و سپس مارخور) استفاده کرد تا برای استخدام افراد محلی به عنوان گارد شکار و معیشت مردم محلی کسب درآمد کند. فرض بر این بود که بهبود امرار معاش محلی از طریق شکار تروفه، با نمایش این که حفاظت می‌تواند شیوه پایداری از بهره‌برداری از زمین باشد و ایجاد مشوق برای اعمال حفاظت، موجب تغییر نگرش مردم محلی به حیات وحش شود. در راستای تعهدی که به حفاظت وجود داشته، شکار تروفه با احتیاط صورت گرفته و بیش از ۱ تا ۲ مارخور و ۱ تا ۴ اُریال در سال اجازه برداشت داده نشده است.

عشایر، پس از بررسی دقیق برنامه و مشاهده‌ی مزایای اقتصادی برنامه حفاظتی، ممنوعیت شکار سنتی خود را پذیرفتند. شکار غیرقانونی عملاً موقوف شد. با وجود آن که به سبب سرزمین دشوار شمار دقیق جمعیت ناممکن است، پروتکل‌های پیمایشی استاندارد در چند نوبت نشان داده که جمعیت مارخور و اُریال تُرغار از زمان آغاز طرح در حال افزایش دایمی بوده است. نتایج پژوهش که زیست‌شناسان با حمایت USFWS به عمل آوردند حاکی از آن است که شمار مارخور از کمتر از ۱۰۰ در سال ۱۹۹۰ به ۲۵۴۱ در سال ۲۰۰۵، و تعداد تخمینی اُریال از ۱۱۷۳ در سال ۱۹۹۴ به ۳۱۴۶ در سال ۲۰۰۵ افزایش یافته است.

در این مدت، برنامه مدام با فقدان حمایت قانونی روبه‌رو بوده است، از جمله اکراه دولت از شناسایی اقدام محلی در حفاظت، اعمال ممنوعیت شکار توسط شورای ملی حفاظت، و گنجاندن مارخور در ضمیمه یک CITES، که صادرات تروفه به بازارهای عمده مانند ایالات متحده را با مشکل مواجه می‌کند. با وجود این موانع، برنامه رشد کرده و از حمایت بیشتر برنامه عمران سازمان ملل، صندوق حیات وحش (WWF) پاکستان، نهیلات جهانی محیط زیست (Global Environment Facility) و دیگر مجامع برخوردار شده است. هرچند سایر منابع کسب درآمد مانند اکوتوریسم مبتنی بر عکاسی مورد توجه بوده، به واسطه بعد مسافت بازدیدکنندگان اندکی داشته است.

TCP/STEP برای حدوداً ۴۰۰ خانوار محلی منافع قابل ملاحظه‌ای ایجاد کرده است. درآمد حاصل از شکار تروفه برای پرداخت حقوق ۸۲ گارد شکار، و برای نیازهای اجتناع محلی مانند ساخت منبع آب، سد و کانال آبیاری (برای تامین آب در مواقع خشکسالی)، تهیه نهال درختان میوه، یک پایگاه درمانی و امداد اضطراری در هنگام خشکسالی مصرف شده است.

Sources:

- Frisina, M. & Tareen, S.N. (2009). Exploitation prevents extinction: Case study of endangered Himalayan sheep and goats. In: *Recreational Hunting, Conservation and Rural Livelihoods: Science and Practice* (eds. B. Dickson, J. Hutton & W.M. Adams). 1st edition, Wiley-Blackwell, Oxford, UK. pp. 141-156.
- Rosser, A.M., Tareen, N & Leader-Williams, N. (2005) Trophy hunting and the precautionary principle: a case study of the Torghar Hills population of straight-horned markhor. In: *Biodiversity and the Precautionary Principle: risk and uncertainty in conservation and sustainable use* (eds. R Cooney and B Dickson). Earthscan, London. pp. 55-72.
- Valdez, R. 2008. *Capra falconeri*. In: IUCN 2011. IUCN Red List of Threatened Species. Version 2011.2. <www.iucnredlist.org>. Downloaded on 27 March 2012.
- Woodford M.H., Frisina M.R. & Awan G.A. (2004) The Torghar Conservation Project: Management of the Livestock, Suleiman Markhor (*Capra falconeri*) and Afghan Urial (*Ovis orientalis*) in the Torghar Hills, Pakistan. *Game and Wildlife Science* 21: 177-187.